

تخت جمشید، شیکاگو، تهران جهان گل‌نبنشته‌های باروی تخت جمشید

گردآورندگان: جبریل نوکنده و کریستوفر وودز



زمان برگزاری نمایشگاه: ۱۰ مهر تا ۳۰ آبان ۱۳۹۸





تخت جمشید - شیکاگو - ایران

جهان گل نبشته‌های باروی تخت جمشید

دیباچه

الواح باروی تخت جمشید از سال ۱۹۳۵ تا سپتامبر ۲۰۱۹ میلادی یعنی به مدت هشتاد و چهار سال برای انجام پژوهش نزد مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو به امانت گذاشته شده بود و بخشی از آن نیز هنوز در حال آماده‌سازی برای بازگشت است. اسنادی که در نوع خود بی‌نظیر و حاوی اطلاعات ارزشمند از ناگفته‌های تاریخی در زمان داریوش اول بود. شخصیت منحصر به فرد و تأثیرگذار داریوش و اسناد مربوط به او همیشه مورد توجه خاص باستان‌شناسان، مورخین، زبان‌شناسان و بسیاری دیگر از پژوهشگران در حوزه‌های مختلف بوده است، چرا که او به قول ژان پرو (باستان‌شناس به نام فرانسوی) به نوعی هویت‌دهنده بخش مهمی از تاریخ دوره هخامنشی است.

موزه ملی ایران بسیار خرسند است که سازمان وقت و وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، وزارت امور خارجه کشورمان با همکاری مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو تلاش کردند تا جلوی بهره‌برداری سیاسی از این میراث جهانی را بگیرند و بخشی از این امانت را به موزه ملی ایران بازگردانند. امید آن می‌رود تا در گام‌های بعدی شاهد بازگشت مابقی آثار امانی این مجموعه باشیم. در اینجا از همه بزرگواران و میراث‌بانانی که در جهت حفاظت و صیانت از آن تلاش کردند، سپاسگزار می‌کنیم. از پرفسور کریستوفر وودز رئیس مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو که به صورت مسئولانه با این موضوع برخورد کرده و نشان داد که اجازه نمی‌دهد شأن علمی و فرهنگی پژوهش و مطالعه با سیاست روز همراه شود و تلاش کرد که امانت به صاحب امانت بازگردد نیز قدردانی می‌کنیم.

یکی از بخش‌های موزه ملی ایران بخش کتیبه‌های باستان است که بیشترین آثار موجود در این بخش مربوط به دوره هخامنشی به ویژه الواح باروی تخت جمشید است. موزه ملی ایران این نوید را به پژوهشگران و علاقمندان می‌دهد که برای شناسایی ناشناخته‌های این موضوع با آن‌ها همکاری خواهد کرد و بر این باور است که اشراف بر این موضوع، همکاری‌های گسترده بین‌المللی و بهره‌مندی از دانش و تجارب پژوهشگران ارشد را می‌طلبد.

این نمایشگاه مشتت از خروار اسناد و اطلاعات باروی تخت جمشید است، مدارکی که مانند سایر ثروت‌های فرهنگی این سرزمین مهر تاییدی بر غنا و بی‌همتایی فرهنگ، هنر و تاریخ غنی ایران است. بدون تردید نتایج پژوهش بر روی آن‌ها موجب اعتلای نام ایران در سراسر جهان و همچنین برگ زرین ارزشمندی در حافظه میراث جاودان بشری است. حال فرصتی پیش آمده تا در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گیرد. امید است از دیدن آن لذت ببرند.

دکتر جبرئیل نوکنده، رئیس کل موزه ملی ایران

دکتر محمدحسن طالبیان، معاون میراث فرهنگی، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

دکتر محمدرضا کارگر، مدیر کل موزه‌ها و اموال منقول فرهنگی - تاریخی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

Persepolis - Chicago - Tehran

The world of the Persepolis Fortification Tablets

Preface

The Persepolis Fortification tablets have been loaned for study to the Oriental Institute of the University of Chicago for eighty-four years, from 1935 until September 2019, and part of them are still under preparation for return. These documents are unique in their kind, and contain valuable information about the untold historical facts regarding the time of Darius I. The unique and influential character of Darius, and the documents pertaining to him, have always been especially noted by archaeologists, historians, linguists, and many other researchers in various fields, since he, according to Jean Perrot, the well-known French archaeologist, in a way defines an important part of the Achaemenid history.

The National Museum of Iran is very glad that the current Ministry (formerly Organization) of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts, and the Legal Office of President, in collaboration with the Oriental Institute of the University of Chicago, strove to prevent any political misuse of this world heritage, and return part of this loan to the National Museum of Iran. We hope to see, in further steps, the return of the rest of the lent objects of this collection. Here we would like to thank all the respectable people and curators who made an effort to protect and secure this heritage. We would also like to express my gratitude to professor Christopher Woods, director of the Oriental Institute, for handling this matter responsibly, and showing that he would not allow the scientific and cultural position of research be engaged with politics, and who has endeavored to return this loan to its owner.

The Ancient Inscriptions Department is one of the sections of the National Museum of Iran, in which the majority of objects belong to Achaemenid period, especially the Persepolis Fortification tablets. The National Museum of Iran pledges to cooperate with researchers and those interested, in detecting the unknown aspects of this subject, and believes that gaining a thorough knowledge on this matter, necessitates extensive international cooperation, and taking advantage of the knowledge and experience of leading researchers.

The ongoing exhibition is a minuscule sample of the documents and information provided by the Persepolis Fortification Archive. These records, like other cultural riches of this land, are proofs of the profusion and uniqueness of Iran's culture, art and history. Undoubtedly, the results of research on this material raises the name of Iran in the whole world, and is a valuable record in the eternal memory of the heritage of mankind. Now that we have the opportunity to exhibit this to the public, we hope you will enjoy it.

Dr. J. Nokandeh, General Director of the National Museum of Iran

Dr. M. H. Talebian, Deputy for Cultural Heritage, Ministry of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts (MCHTH)

Dr. M. R. Kargar, General Director of the Museum Affairs of Ministry of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts (MCHTH)

دیباچه مدیر مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو

کشف الواح باروی تخت جمشید تقریباً به همان اندازه شگفت‌انگیز بود، که به امانت‌دادن آن‌ها از سوی حکومت وقت ایران به مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو. در واقع امانت‌دادن این کشف منحصر به فرد، از مهم‌ترین محوطه باستانی ایران، با اهمیت تاریخی فوق‌العاده برای ملت ایران و جهانیان، عملی بی‌سابقه و مبتنی بر اعتماد بود. این کار نوعی از ارتباط را به وجود آورد که لازمه هر فعالیت نوینی بر روی آثار میراث فرهنگی اعم از پژوهش، انتشار، نمایش در موزه یا تبادل علمی است.

اکنون، بازگشت الواح بارو، پاسخگوی این اعتماد عمیق است. آنچه که به همراه این مجموعه باز می‌گردد، ثمره پژوهشی است که از بزرگترین امیدهای کاشفان این الواح فراتر رفته است. این کار، شالوده راه‌های نوینی را برای مطالعه و معرفی جهان ایران هخامنشی پی‌ریزی کرده است. موزه ملی ایران، خانه جدید الواح باروی تخت جمشید، مرکز این پژوهش جوان و در حال رشد خواهد بود. من در این جا صمیمانه از همکاران ایرانی خود، به ویژه دکتر محمدحسن طالبیان و دکتر جبرئیل نوکنده، برای یاریشان در فراهم کردن امکان بازگشت این الواح سپاسگزاری می‌کنم. همچنین از مردم ایران برای اعتمادشان در این چند دهه به مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو، سپاس ویژه دارم و به پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی، که در آغاز فصل جدیدی از تحقیقاتشان بر روی این مواد ارزشمند هستند، تبریک می‌گویم.

پروفسور دکتر کریستوفر وودز

Preface by the Director of the Oriental Institute

Almost as extraordinary as the discovery of the Persepolis Fortification tablets was the loan of the tablets from the government of Iran to the Oriental Institute of the University of Chicago. The loan of this singular discovery from the foremost ancient site in Iran, a place of exceptional historical importance to the nation and the world, was an unprecedented act of trust. It created the kind of relationship that has become essential to all modern work on cultural heritage materials, whether research, publication, museum display, or intellectual exchange.

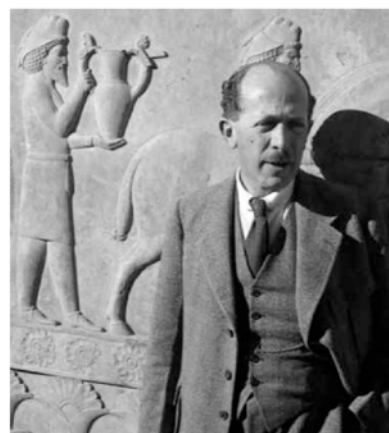
Now, the return of the Fortification tablets repays that profound act of trust. What returns with these artifacts are the fruits of research that surpasses the highest hopes of the tablets' discoverers. This work has laid the foundations for entirely new ways to investigate and reveal the world of Achaemenid Iran. Tehran, the new home of the Persepolis Fortification tablets, will be the center of this still young and growing field of study.

I extend my warmest thanks to our Iranian colleagues, in particular to Dr. M. Talebian and Dr. J. Nokandeh, for the cooperation that made the return of the tablets possible. It is my distinct privilege to thank the people of Iran for the trust given to the Oriental Institute for many decades and to congratulate the Iranian and other scholars who are working on this precious material at the beginning of a new chapter in their research.

Prof. dr. Christopher Woods



شکل ۲. تلگرام ارسال شده از سوی هرتسفلد به جیمز هنری برستد
Figure 2. Telegram from Herzfeld to James Henry Breasted



شکل ۱. ارنست ا. هرتسفلد در تخت جمشید
Figure 1. Ernst E. Herzfeld at Persepolis

اکتشافی شگفت‌انگیز

در ماه مارس سال ۱۹۳۳ میلادی، ارنست هرتسفلد سرپرست کاوش‌های تخت جمشید، طی یک تلگراف، خبری را مبنی بر یک کشف شگفت‌انگیز به جیمز هنری برستد، رئیس مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو مخابره کرد. متن خبر چنین بود: «صدها یا احتمالاً هزاران لوح تجاری عیلامی در صفه کشف شده‌اند». در حقیقت، ابعاد اکتشاف مزبور عظیم‌تر از این بود. هزاران عدد از این الواح دارای متونی به خط میخی بودند؛ صدها عدد نوشته‌هایی به الفبای آرامی داشتند؛ بر شمار اندکی از آن‌ها متونی به زبان‌ها و خط‌های دیگر کتابت شده بود؛ و اکثر آن‌ها دارای آثاری از مهرهای استوانه‌ای و مسطح بودند. چنین بود الواح بایگانی باروی تخت جمشید.

الواح بارو در اواسط حکومت داریوش اول، و در بازه زمانی ۴۹۳ - ۵۰۹ پیش از میلاد نوشته و مهر شده‌اند. آن‌ها در شهرها، روستاها، انبارهای مستحکم و ایستگاه‌های بین‌راهی، در ناحیه‌ای شامل استان فارس امروزی و بخش‌هایی از خوزستان تدوین شده‌اند. این الواح پس از گردآوری در تخت جمشید مورد پردازش قرار می‌گرفتند. اغلب آن‌ها شامل گزارش‌هایی دربارهٔ مایحتاج اساسی زندگی، یعنی خوراک و نوشیدنی هستند. این الواح اطلاعاتی دربارهٔ نحوه انتقال، ذخیره و توزیع جو و گندم، شراب و آجود، میوه، ماکیان و حیوانات اهلی از سوی سازمانی پیچیده برای پشتیبانی از کارگران، صنعتگران، مقامات، مسافران، پادشاه و دربار و نیز فعالیت‌های دینی به دست می‌دهند.

الواح بارو با محتوای ساده و نظام پیچیده‌شان، تبدیل به مهم‌ترین منبع جدید اطلاعات دربارهٔ دورهٔ اوج قدرت شاهنشاهی هخامنشی، یعنی فرمانروایی داریوش اول شده‌اند؛ زمانی که سرزمین‌هایی از مصر تا آسیای مرکزی و از سند تا مدیترانه را تحت سیطرهٔ خود داشت.

An astonishing discovery

In March, 1933 the director of excavations at Persepolis, Ernst Herzfeld, telegraphed news of an astonishing discovery to the Director of the Oriental Institute, James Henry Breasted, saying "Hundreds probably thousands business tablets Elamite discovered on terrace." In fact, there was more to the discovery. Thousands of the tablets had texts in cuneiform writing. Hundreds had texts in the Aramaic alphabet. A few had texts in other languages and scripts. Most had impressions of cylinder seals and stamp seals. These were the tablets of the Persepolis Fortification Archive.

The Fortification tablets were written and sealed in the middle of the reign of Darius I, between 509 and 493 BCE. They were drawn up at towns, villages, fortified storehouses and way-stations in an area that included modern Fārs and parts of Khūzestān, then gathered and processed at Persepolis itself. They are mostly records of the most basic necessities of life, food and drink. They tell how barley and wheat, wine and beer, fruit, poultry and livestock were transported, stored, and handed out by a complex organization to support workers, craftsmen, officials, travelers, the king and his court, and religious activities.

The documents, humble in content and sophisticated in form, have become the most important source of new information about the Achaemenid Empire at the height of its power, the reign of Darius I, when it controlled lands from Egypt to Central Asia and from the Indus to the Mediterranean.

بایگانی باروی تخت جمشید به دو دلیل در میان سایر مجموعه مدارک باستانی برجسته است: نخست اندازه و پیچیدگی آن که موجب غنای فراوان اطلاعات حاصله می‌شود و دوم انسجام و کمال آن به‌عنوان یک مجموعه کاوش‌شده دست‌نخورده. در واقع این مجموعه هرگز تقسیم و پراکنده نشده و همواره به‌عنوان یک مجموعه واحد مورد مطالعه قرار گرفته است.

در سال ۱۹۳۵ طی یک همکاری و اعتماد منحصر به فرد، دولت ایران کل مجموعه بایگانی باروی تخت جمشید را برای تجزیه و تحلیل و انتشار به مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو به‌امانت سپرد. این کاری زمان‌بر و دشوار بود، چراکه تا آن زمان هرگز چنین مجموعه‌ای در ایران یافت نشده بود. پس از گذشت چند سال، مطالعه این متون تبدیل به تنها مشغله دوران زندگی ریچارد هلک، پروفیسور مؤسسه شرقی شد. او توانایی خارق‌العاده‌ای در درک زبان نه‌چندان قابل فهم این الواح، و نیز یافتن نظام، الگوها و روندها در قالب توده انبوهی از جزئیات از خود نشان داد. در سال ۱۹۶۹ ریچارد هلک بیش از ۲۰۰۰ متن عیلامی بارو، از جمله نمونه‌های ارائه‌شده در این نوشتار را منتشر کرد. او با انتشار این کتاب، هرگونه پژوهش درباره شاهنشاهی پارس را دگرگون کرد؛ از زبان‌های مورد استفاده در آن گرفته تا هنر، نهادها، مدیریت، اقتصاد، جغرافیا، دین، جامعه و تاریخ آن.

این تغییرات پس از سال ۲۰۰۶ و با آغاز پروژه بایگانی باروی تخت جمشید (Persepolis Fortification Archive Project) در مؤسسه شرقی، از سرعت، گستردگی و عمق بیشتری برخوردار شد. پروژه بایگانی باروی تخت جمشید (PFA) در واقع پاسخی بود به یک فوریت حقوقی که آینده الواح بارو را مورد تهدید قرار می‌داد. این طرح متخصصانی را در حوزه‌های مختلف گرد هم آورد، تا مأموریت ثمربخش کردن گزارش‌های الواح بارو و قابل دسترس بودن آن‌ها برای پژوهش را به‌انجام رسانند. این کارشناسان عبارت‌اند از متخصصان زبان‌های عیلامی و ایرانی و کتیبه‌شناسی خط‌میخی، زبان و کتیبه‌شناسی آرامی، هنر و مهرهای هخامنشی، تصویربرداری و داده‌پردازی الکترونیک.

اسناد پروژه بایگانی باروی تخت جمشید موارد ذیل را دربر می‌گیرند: تصاویر متعارف، تصاویر با وضوح بالا و تصاویر پویا؛ ویرایش‌های

مقدماتی متون و ویرایش‌های مقابله‌شده از متون مشخص؛ فهرست اصطلاحات و تحلیل‌های دستوری؛ ترسیم مهرها، شناسایی مهرهای جدید و گزارش‌هایی درباره کاربرد آن‌ها. در حال حاضر، مجموع متون ویرایش‌شده عیلامی بارو حدود ۷۰۰۰ نوشته، مجموع متون ویرایش‌شده آرامی حدود ۸۴۰ عدد و شمار مهرهای صورت‌برداری‌شده به بیش از ۴۰۰۰ می‌رسد.

The Tablets in Chicago

The Persepolis Fortification Archive stands out among other ancient collections of records for two reasons: the size and complexity that makes its information so rich; and its coherence and completeness as an intact excavated collection. It was never divided or dispersed. It was always studied as a single ancient artifact.

In 1935, in an exceptional act of collaboration and trust, the Iranian government loaned the entire Persepolis Fortification Archive to the Oriental Institute of the University of Chicago for analysis and publication. The work was long and hard, because nothing like this had ever been found in Iran before. After a few years, the task became the solitary life's work of Oriental Institute Professor Richard T. Hallock. He brought to bear an uncanny ability to make sense of an imperfectly understood language, and to find order, patterns and processes in masses of detail. In 1969 he published more than 2,000 of the Elamite Fortification texts, including the examples exhibited here. With that book he began to transform every kind of research on the Achaemenid Persian Empire—on its languages, art, institutions, administration, economy, geography, religion, society, and history.

This transformation grew faster, wider and deeper after 2006, when the Persepolis Fortification Archive Project began at the Oriental Institute. Beginning as a response to a legal emergency that threatened the future of the Fortification tablets, the PFA Project convened specialists in Elamite and Iranian languages and cuneiform epigraphy, Aramaic language and epigraphy, Achaemenid art and seals, electronic image making and electronic data handling with the mission of making useful records of the Fortification tablets and making those records available for research.

The PFA Project's records include conventional, high-resolution, and dynamic digital images; draft editions of texts and collated editions of known texts; glossaries and grammatical analyses; drawing of seals, identifications of new seals, and records of their use. At this point, the total of edited Elamite Fortification texts amounts to almost 7000 texts, the total of edited Aramaic texts to about 840, and the number of inventoried seals to over 4000.



شکل ۳. نقش *PFS 1566، مهر آبتیه بر روی PF 1852
Figure 3. Impression of PFS 1566*, the seal of Abbatteya, on PF 1852



شکل ۴. PF 041 رو، لبه چپ، پشت، همراه با نقش مهر PFS 0001*
 Figure 4. PF 0412 obverse, left edge, reverse with impressions of seal PFS 0001*

الواح در تهران

با بازگشت الواح بارو به ایران و ورود آن‌ها به منزلگاه آینده خود یعنی موزه ملی ایران، فرصتی فراهم شده است تا بتوان به تحقیقات پیشین نظری افکنده و برخی از موضوعات عمده را در حوزه مطالعات هخامنشی، که با این منابع ارزشمند در حال دگرگونی هستند، تاکید کنیم. ۱۱۰ لوح حاضر در نمایشگاه به گونه‌ای گزینش شده‌اند که بتوانند حداکثر موضوعات و دورنمای پژوهشی ممکن را پوشش دهند. با این حال، به نظر می‌رسد که این مدارک، تنها بخش محدودی از گنجینه‌های بایگانی باروی تخت جمشید را دربر می‌گیرند.

نخست این که ۹ نامه‌ای که از جانب مدیران ارشد ارسال شده‌اند، تنها نمونه‌ای از گستره بایگانی هستند. این نامه‌ها موضوعات گوناگونی را مانند برآورد محصول، طلاکاران و جیره‌های شراب برای شترها پوشش می‌دهند. پس از آن نوبت به پژوهش در باب شکل الواح، مطابق با انواع مختلف از اسناد، عملکرد دیوانی و روندهای اداری می‌رسد. همان‌طور که در بخش سوم نشان داده می‌شود، ویژگی‌های ظاهری الواح گاه می‌تواند به شناخت یک کاتب بخصوص کمک کند.

دو بخش موضوعی بعدی (بخش‌های ۴ و ۵) بر درباره‌های شاه و بانوان سلطنتی و همچنین بر شخصیت‌های تاریخی تمرکز دارند. در همین راستا، بخش ششم مربوط به اثر مهرها بر روی الواح است. آثار مهر نه تنها تا اندازه‌ای به مانند امضاء ایفای نقش می‌کنند، بلکه بر «زبان» مخصوص به خود نیز دلالت دارند. برخی از آن‌ها مهرهای شخصی بوده‌اند، و این مهرها از انتخاب طرح مهر توسط پارسیان عالی‌رتبه حکایت می‌کنند. مهرهای دیگر نیز یا نشانگر ادارات در این نظام دیوان‌سالاری پیچیده هستند یا به مقامات درباری مجوز می‌دهند که از جانب شاه اقدام کنند.

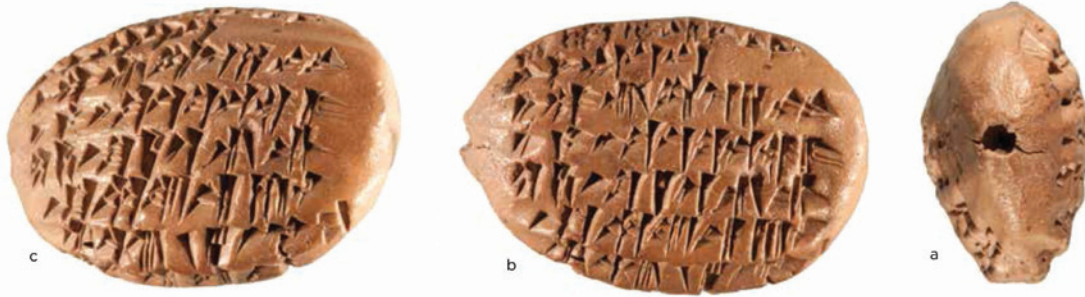
جدا از سطوح عالی پارسیان سلطنتی و اشرافی، بخش بعدی (بخش ۷) به نیروی کاری مربوط می‌شود، که وجود آنچه را که «اقتصاد تخت جمشید» خوانده می‌شود، ممکن ساخته است. هزاران کارگر وابسته به این نهاد با موقعیت‌ها و جایگاه‌های مختلف در پارسه هخامنشی در قالب دسته‌هایی متشکل از چند نفر تا چند صد نفر کار می‌کردند. بسیاری از این کارگران از مناطقی دور مانند مصر یا سواحل آناتولی آمده بودند. گزارش‌های موجود، از میزان شگفت‌انگیزی از جزئیات درباره این کارگران حکایت دارند. این جزئیات در برخی مواقع نام زنانی را شامل می‌شود که دختر یا پسری به دنیا آورده‌اند و به‌عنوان پاداش، جیره‌های اضافه دریافت کرده‌اند. بخش هشتم درباره برخی از متخصص‌ترین کارگران یادشده، یعنی کاتبان است. کاتبان برای اداره، ارزیابی و برنامه‌ریزی این نظام حیاتی بودند.

«اقتصاد تخت جمشید» با تکیه بر ده‌ها هزار کارگر، انبوهی از جو، گندم و دیگر غلات، بیش از چهل نوع میوه و همین‌طور شتر، اسب، قاطر، الاغ، گاو، گوسفند، بز، غاز، اردک و گونه‌های متعدد دیگری از ماکیان را تولید می‌کرد. بخش نهم نمونه‌هایی از سطوح حیرت‌آور تولید و مدیریت دقیق تدارکات مرتبط با محصولات زراعی و دامی را نشان می‌دهد.

اقتصاد متمرکز و به دقت مدیریت‌شده تخت جمشید، مقدار زیادی کالای مازاد بر مصرف تولید می‌کرد و از این طریق، در حفظ شاهنشاهی هخامنشی به‌معنای دقیق کلمه مشارکت می‌کرد. نهادهای اقتصادی متمرکز در تخت جمشید، شوش و دیگر مراکز شهرها (ساتراپ‌ها) بدین منظور طراحی شده بودند تا آذوقه دربار شاهی را در هنگام جابه‌جایی از اقامتگاهی به اقامتگاه دیگر تأمین کنند. تأمین آذوقه دربار شاهی مسئولیت سنگینی بود که یک شهربی به تنهایی نمی‌توانست آن را به‌دوش بکشد. علاوه بر این، نظام‌های اقتصادی شهرها مسئولیت نگهداری بخشی از شبکه راه شاهی را بر عهده داشتند؛ این نکته در بخش دهم مورد تأکید قرار می‌گیرد. چنین نظامی برای یک چنین شاهنشاهی به وسعت یک قاره حیاتی بود. این نظام، مسافران، دسته‌های نظامی، کارگران ماهر و همین‌طور کاروان‌های تجاری را قادر می‌ساخت تا مسافت‌های طولانی را در امنیت و آسودگی طی کنند. سرعت ارتباط، تبادل افراد و کالاها پشتیبان ثبات و رفاه شاهنشاهی بودند، و بایگانی بارو نشان می‌دهد که شاهان هخامنشی با چه دقتی از این نیازها آگاهی داشته‌اند.

جهان ماورایی (بخش ۱۱) نیز از این محصولات مازاد بهره می‌برد. سازمان اقتصادی مذکور نه تنها خوراک حیوانات، کارگران، مسافران و مقامات را تأمین می‌کرد، بلکه ایزدان را نیز تغذیه می‌کرد. از این روی، بایگانی باروی تخت جمشید نگرش بی‌مانندی را نسبت به بسیاری از ایزدان از هر دو محیط عیلامی و (هندو-) ایرانی عرضه می‌کند. این خدایان در کنار هم در پارسه هخامنشی در مناسک مخصوص تقدیس می‌شدند. بایگانی مذکور همچنین نگرش بی‌همتایی را نسبت به روحانیانی ارائه می‌کند که این مناسک را برگزار می‌کردند.

بخش پایانی (بخش ۱۲) نگاهی گذرا به یک گروه متفاوت از کارگران می‌افکند: کتیبه‌شناسان امروزی که الواح میخی بسیاری را به‌دقت می‌خوانند و بر آثار دانشمندان پیشین متکی هستند و این آثار را توسعه و گاهی بهبود می‌بخشند. استخراج منابع بایگانی باروی تخت جمشید، مستلزم کار صبورانه است. این کار غالباً بر جزئیات کوچک اما پرمعنا متمرکز است. همان‌طور که این بخش نشان می‌دهد، چنین کاری هرگز از عهده یک پژوهشگر بر نمی‌آید، بلکه لزوماً نیازمند همکاری و کار گروهی است.



شکل ۵. لوح مهر نشده PF 1372 (نوک سمت چپ، رو و لبه راست)

Figure 5. Unsealed tablet PF 1372 (left tip, obverse, and right edge)

The tablets in Tehran

The return of the Fortification tablets to Iran and their arrival in their future home, the National Museum of Iran, provides an occasion to look back at past research and highlight some of the major themes in Achaemenid studies that are being transformed by these invaluable sources. The 110 tablets in this exhibition have been selected to cover as many subjects and research perspectives as possible, but they still give only a limited impression of the treasures of the Persepolis Fortification Archive.

First, nine letters sent by leading administrators give a taste of the scope of the archive and cover themes as diverse as harvest assessments, a group of gold hammerers, and wine rations given for camels. Next is a survey of tablet formats, corresponding to different types of documents, bureaucratic function and administrative processes. The physical properties of the tablets can sometimes help to identify a single scribe, as shown in the third section.

The next two thematic sections (4-5) focus on the courts of king and royal women, and on historical personalities. Related to this, the following sixth section is about seal impressions on the tablets. These not only function somewhat like signatures but also represent a 'language' of their own. Some were personal seals and reveal choices in seal design by leading Persians; others identified offices in the intricate bureaucracy or authorized royal officials acting on behalf of the King.

Moving away from the high levels of royal and noble Persians, the next section (7) addresses the labor force that made possible what is called the "Persepolis economy." Thousands of dependent workers, with varying positions and statuses, worked in Achaemenid Pārsa in teams ranging from a few to hundreds at the time. Many had come as far away as Egypt or the Anatolian coast. The records give an astonishing amount of detail about these workers, sometimes including the names of women who had given life to a little girl or a little boy and received bonus rations as a reward. The eighth section concerns some of the most specialized of such workers, scribes, who were vital to the systems operation, evaluation, and planning.

The "Persepolis economy," relying on tens of thousands of workers, produced masses of barley, wheat and other grains, over forty different types of fruit, as well as camels, horses, mules, donkeys, cattle, sheep, goats, geese, ducks, and many other kinds of poultry. The ninth section shows examples of the staggering levels of production and of the refined logistic management of crops and livestock.

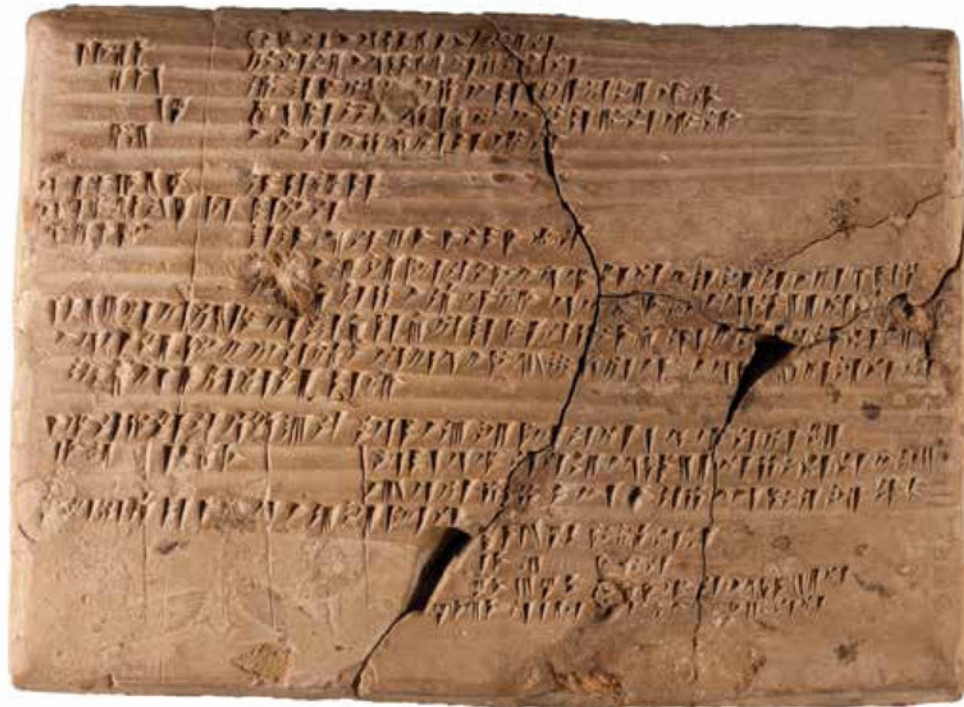
The centralized, meticulously managed Persepolis economy created vast surpluses that contributed to the maintenance of the Achaemenid Persian empire as such. Institutional economies centered on Persepolis, Susa and other satrapal centers were designed to feed the royal court as it moved from one residence to another, a heavy burden which could not be carried by a single satrapy. In addition, the satrapal economies were charged with the up keep of part of the royal road network, highlighted in section ten. This system, vital for an empire that spanned a continent, enabled individual travelers, armed troops, skilled workmen as well as commercial caravans to traverse immense distances safely and smoothly. Communication speed, exchange of people and commodities were pillars of the empire's stability and welfare; the Fortification archive shows how keenly aware of these needs the Achaemenid kings were.

Another beneficiary of surplus production was the divine world (11). The institutional economy not only fed animals, workers, travelers and officials, but also the gods. The Persepolis Fortification archive thus offers unparalleled views of the many deities of both Elamite and (Indo-)Iranian background who were venerated side by side in Achaemenid Pārsa, on specific rites and on priests who performed them.

The final section (12) offers a glimpse of a different group of workers: modern epigraphers who carefully read the many cuneiform tablets, building on, extending and sometimes improving the work of earlier scholars. Mining the riches of the Persepolis Fortification Archive takes patient work, often focusing on small but meaningful details. As this section shows, it can never be the work of a single scholar, but necessarily requires collaboration and teamwork.



a



b



c

شکل ۶. دفتر ثبت (گزارش ثبت) PF 1957 (رو، پشت و لبه بالا)
Figure 6. Journal (register) PF 1957 (obverse, reverse, and upper edge)

۱. جهان بایگانی باروی تخت جمشید در نامه‌ها

نامه‌ها، یا به‌طور دقیق‌تر، دستورهای کتبی، از جمله روشن‌ترین اسناد در بایگانی باروی تخت جمشید هستند؛ چرا که اغلب به مسائلی ویژه، اضطراری، یا غیرمعمول، در معنای گسترده آن، مربوط می‌شوند. دستورات کتبی بسیاری از طرف پرنکه، سرپرست نظام اقتصادی تخت جمشید و احتمالاً شهر پارس هخامنشی، یا توسط قائم‌مقام او، زیشویش صادر شده‌اند. برخلاف بسیاری از متون بایگانی باروی تخت جمشید، دستورات صادر شده از سوی پرنکه و زیشویش، نخست به آرامی پیش‌نویس شده و سپس به عیلامی نگاشته و به‌گرفته نامه ارسال می‌شده است. از این نامه‌ها، تنها نسخه‌های مهور عیلامی برجای مانده و پیش‌نویس‌های آرامی که در اداره سرپرست یا قائم‌مقام او بایگانی شده بودند، از میان رفته‌اند؛ چراکه اسناد مزبور بر پوست حیوانات یا دیگر مواد فاسدشدنی تحریر شده بودند. با وجود این، فرآیند تألیف دستورهای کتبی را می‌توان از انجامه‌هایی که در انتهای متون دیده می‌شوند، استنباط کرد. در این متون، نام مقام‌های دیوانی مسئول پیش‌نویس، انتقال و ترجمه دستور آرامی به عیلامی ذکر شده است.

1. The world of Persepolis Fortification Archive in letters

Letters, or more precisely letter orders, are among the most revealing records in the Persepolis Fortification Archive since they often concern issues that were special, urgent or irregular in the broadest sense. Many letter orders were issued by Parnakka, the director of the Persepolis economy and plausibly the satrap of Achaemenid Pārsa, or by Ziššawiš, his deputy. Unlike most texts in the Persepolis Fortification Archive, orders issued by Parnakka or Ziššawiš were first drafted in Aramaic, then translated in Elamite and sent to the addressee. Only the sealed Elamite versions survive; the Aramaic drafts archived in the office of the director or his deputy are lost because they were written on animal hides or other perishable materials. The process of composing letter orders can nevertheless be deduced from the colophons at the end of each text that mention the chancellery officials who drafted, transmitted and translated the Aramaic order into Elamite.

۲. امور اداری

نظام اداری متمرکز در تخت جمشید بر حوزه‌ای نظارت داشت که از رامهرمز یا بهبهان تا نیریز امتداد داشته و نظام اقتصادی پیچیده‌ای را اداره می‌کرد، که امور ده‌ها هزار کارگر وابسته را مدیریت می‌کرد. انجام این امور، به یک نظام دیوان‌سالاری کارآمد با مجموعه‌ای از قوانین، سلسله‌مراتب و روال‌های مشخص نیاز داشت. نحوه پردازش اطلاعات، به واضح‌ترین شکل ممکن در قالب‌های گوناگون الواح انعکاس یافته است.

کاتبان محلی، اسناد مهر شده را به‌صورت یادداشت بر الواح زبانی شکل در مراکز محلی (ایستگاه‌های بین راهی، دژها، انبارها) می‌نوشتند. این گزارش‌های ساده، تراکنش مربوط به یک کالا را ثبت کرده و به یک مکان و یک سال مشخص مربوط می‌شوند. هنگامی که کاتب لوحی زبانی شکل را آماده می‌کرد، تکه‌ریسمانی را گره زده، گل را پیرامون آن گره شکل داده و یک طرف لوح را به گونه‌ای مسطح می‌کرد، که حلقه‌ای از ریسمان از یک گوشه لبه مسطح خارج شده و وارد گوشه دیگر آن شود. معمولاً مهر تأمین‌کننده کالا بر روی لبه مسطح سمت چپ غلتانده می‌شد. مهر دریافت‌کننده کالا نیز بر پشت یا سطح دیگری از لوح نقش می‌بست.

البته برخی از یادداشت‌ها بر روی الواح مهر نشده‌ای با اشکال گوناگون (تخم‌مرغی شکل، فشنگی شکل و غیره) نوشته شده‌اند، که تنها یک حفره ریسمان دارند. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که حداقل برخی از یادداشت‌های مهر نشده، ممکن است به الواح نانوشته (الواح زبانی شکل با مهر اما بدون متن) ضمیمه شده باشند. به عبارت دیگر، یادداشت‌ها با ریسمان‌هایی به لوحی منفصل ضمیمه می‌شدند که اثر مهرهای لازم را بر روی خود داشت. مهر اصلی در برخی از ادارات بسیار پرمشغله همیشه در دسترس نبود و این نکته می‌تواند دلیلی برای اجرای روند مذکور باشد.

الواح مهر شده و مهر نشده را می‌توان مستندات اولیه نامید. چنین اسنادی به‌صورت محلی تولید و به‌صورت دوره‌ای جمع‌آوری شده و احتمالاً پس از بررسی اولیه در محل، به تخت جمشید منتقل می‌شدند. دلیل پیدا شدن این اسناد در آن جا و به‌عنوان بخشی از بایگانی باروی تخت جمشید، همین مسئله است.

در تخت جمشید، حساب‌رسان ضمن بررسی و خلاصه‌سازی مستندات اولیه، آن‌ها را در دفاتر ثبت یا «گزارش‌های ثبت» وارد می‌کردند. در این گزارش‌های ثبت، معمولاً چندین یا شمار زیادی تراکنش مربوط به یک کالا، در مکانی خاص و در طول یک سال بخصوص فهرست می‌شوند. این گزارش‌ها اغلب با دقت بیشتر و معمولاً بر الواح مستطیل شکل با نسبت طول به عرض ۴ به ۵ نوشته شده‌اند. برخی از این متون حاوی اطلاعاتی غنی بوده و به‌راستی تاریخچه خریدی را از فعالیت‌های اقتصادی در مکانی خاص به‌دست می‌دهند. حساب‌رسان یا ممیزان، این دفاتر ثبت را با مهرهای خود تأیید می‌کردند.

به غیر از دفاتر ثبت یا «گزارش‌های ثبت»، حساب‌رسان تخت جمشید همچنین ترازهای حساب را تهیه می‌کردند، که شامل جمع کل ذخایر، محصول و مخارج می‌شد. گزارش‌های حساب نیز مستطیلی شکل بودند، اما ابعاد متفاوتی داشته و به سادگی از گزارش‌های ثبت قابل تشخیص بودند. نشانه‌هایی مبنی بر این‌که گزارش‌های ثبت و حساب گاهی به صورت یک جفت تهیه می‌شدند (مربوط به سال، کالا و مکانی یکسان) در دست است، لیکن تنوع فراوان در میان گزارش‌های حساب، مانع از این می‌شود

که این امر را قاعده‌ای فراگیر فرض کنیم. برخی از گزارش‌های ثبت مشخصاً مربوط به تبادل کالاهای مازاد، احتمالاً با افرادی بیرون از حوزه این نهاد اقتصادی هستند.

پس از مستندسازی اولیه (یادداشت‌ها) و ثانویه (گزارش‌های ثبت و حساب)، مرحله سوم نیز برای پردازش اطلاعات وجود داشت، که در حال حاضر تقریباً غیرقابل مشاهده است. وجود این مرحله توسط متون کوتاه آرامی که با جوهر بر الواح عیلامی نوشته شده‌اند، مشخص می‌شود. این متون گاه واژگان کلیدی متن عیلامی را تکرار کرده، یا آن‌ها را توضیح داده، و در چند مورد، مقدار کل کالا یا تاریخ را تصحیح می‌کنند. در مورد گزارش‌های ثبت و حساب، واژه *nsh* یا *nsyh*، به معنی «رونویسی شد»، پرتکرارترین نوشته آرامی است. این نکته نشان می‌دهد که این اسناد، مجدداً پردازش شده و در رونوشت‌هایی دقیق به آرامی برگردانده می‌شدند. نتیجه‌گیری فوق، یادآور این نکته است که آنچه که از بایگانی عظیم، پیچیده و انبوه باروی تخت جمشید برجای مانده، تنها بخشی از یک نظام وسیع‌تر است.

2. Document and process

The administration centered on Persepolis oversaw a territory stretching from Rām Hormoz or Behbahān to Neyrīz, managed a complex economy and directed the work of tens of thousands of dependent workers. To do so, it needed an efficient bureaucracy with rules, hierarchies and fixed procedures. The different formats of the tablets are the most visible reflection of the way information was handled.

At local centers (way stations, citadels, storage facilities) sealed records were drawn up by local scribes as memoranda on tongue-shaped tablets. Such simple records document one transaction in a single commodity; they pertain to one particular place and year. When a scribe prepared a tongue-shaped tablet he tied a knot in piece of string, formed the clay around the knot, and flattened one edge so that a loop of string came out of one corner of the flattened edge and entered the other corner. Usually, the seal of the supplier was rolled out on the flattened left edge. The seal of the recipient was applied to the reverse or any other surface.

Some memoranda were, however, written on unsealed tablets of various shape (ovoid, bullet, etc.) with only one string-hole. Recent research suggests that at least some unsealed memoranda may have been tied to uninscribed tablets (tongue-shaped tablets with seals but without text). In other words, the necessary seal impressions accompanied the memorandum on a separate tablet attached by means of the strings. A reason for doing things this way may have been that in some very busy offices the main seal was not always available.

The sealed and unsealed tablets can be called primary documentation. Such documents were produced locally, collected periodically, and then, perhaps after a first audit on the spot, transported to Persepolis. This is the reason why they were found there as part of the Persepolis Fortification Archive.

At Persepolis, accountants would check the primary documentation, summarize it and enter it in registers or “journals.” Such registers typically list several or many transactions in one commodity at a particular place during a particular year. They are often written in a more careful hand, usually on rectangular tablets with a 4:5 (height : width) ratio. Some are particularly rich in information and offer true micro-histories of economic activities at a particular site. Accountants or auditors marked approval of these registers with their seals.

Besides registers or “journals,” the Persepolis accountants also produced balanced accounts stating totals of reserves, yield and outlays. Accounts were also rectangular, but with different dimensions and easily distinguishable from the registers. There are indications that registers and accounts were sometimes made in pairs (pertaining to the same year, commodity and place), but the variation among the accounts is too big to assume this as a general rule. Some accounts deal specifically with exchange of surpluses, perhaps with people outside the institutional economy.

After the primary documentation (memoranda) and secondary documentation (registers and accounts), a third stage of information handling existed but is now almost invisible. Its existence is indicated by short Aramaic texts written in ink on the Elamite tablets. These texts may repeat key terms from the Elamite text or explain them; in a few cases they correct a total or a date. In the case of registers and accounts, the most frequent Aramaic text is *nsh* or *nsyh*, “copied,” suggesting that these documents were again digested and rendered in fair copies written in Aramaic. This conclusion is a reminder that the large, complex, dense Persepolis Fortification Archive that survives was only part of a larger system.

۳. کاتب ویژه

۱۵۷ لیتر آرد، تخصیص از ظرف پیرتَمکَه، (شخصی) با نام میونَه (دریافت کرد): او از پارسه (تخت جمشید) به شوش می آمد. ۵ مرد آزاد، هریک ۱.۵ لیتر دریافت کردند؛ ۱۰ خدمتکار، هریک ۰.۵ لیتر دریافت کردند. او (میونَه) یک مجوز سفر از زیشویس حمل می کرد. سال بیست و دوم، در اوزیکورَش.

پیرتَمکَه که سَمَت تأمین کننده را دارد، مکرراً در بایگانی باروی تخت جمشید مشاهده می شود. اکثر مدارک مربوط به پرداخت های سفری که او صادر کرده است، همانند متن بالا (PF ۱۴۱۱، شماره ۳.۱)، مهر نشده هستند. این امر بدان معنا نیست که پیرتَمکَه هرگز از مهر استفاده نمی کرد، مهر او (PFS ۰۱۴۲) در زمینه های دیگر شناخته شده است. این مهر اغلب بر الواحی یافت می شود که فاقد هرگونه نوشته ای هستند (الواح نانوشته). بدین ترتیب این امکان وجود دارد که بسیاری از متون سفر مهر نشده از جانب پیرتَمکَه، در واقع از طریق ریسمان هایی به این الواح نانوشته ممهور متصل شده بودند.

مدارک سفر مهر نشده ای که توسط پیرتَمکَه صادر شده اند، همگی توسط یک کاتب واحد نگاشته شده اند. این امر به چند دلیل واضح است: انتخاب لغات مشخص، دستخط کاتب و شکل الواح. در نتیجه، شش لوح مخروطی شکل ارائه شده در این جا، شباهت بسیاری با یکدیگر دارند.

3. An individual scribe

liters of flour, allocation from Pirratamka, (a person) named Mauyuna (received): he came from Pārsa (Persepolis) 157 to Susa. 5 free men each received 1.5 liter; 10 servants each received 0.5 liter. He (Mauyuna) carried a travel authorization from Ziššawiš. 22nd year, at Uzikurraš.

The supplier Pirratamka occurs frequently in the Persepolis Fortification Archive. Most of the records on travel provisions he issued, like the above text (PF 1411, no. 3.1), are unsealed. This does not mean that Pirratamka did not use a seal at all – his seal is known from other contexts (PFS 0142). This seal is often found on tablets with no text at all (uninscribed tablets). It is possible that the many unsealed travel texts from Pirratamka were in fact attached to these sealed uninscribed tablets by their strings.

The unsealed travel records issued by Pirratamka's office are the work of a single scribe. This is clear from the choice of certain words, from the scribal hand and from the shape of the tablets. Thus, the six cone-shaped tablets shown here look very similar.

۴. شاه و دربار

به منظور پشتیبانی از دربار شاهی یا سایر دربارهای جداگانه متعلق به بانوان برجسته خانواده سلطنتی، مقادیر فراوانی غلات، حیوانات اهلی، شراب و آبجو اختصاص می یافت. تدارکات سلطنتی، محصولات کمیابی را نیز مانند عسل، پنیر، غذاهای آماده و ماکیان (پرور) دربر می گرفت. تمامی اقلام یادشده، مورد تقاضای مقاماتی بود که به همراه دربار متحرک شاه سفر می کردند و با ادارات محلی در شوش، پارسه، هگمتانه و مناطق دیگر در ارتباط بودند. مقامات درباری مسئول، مهرهایی با اختیارات ویژه به همراه داشته، و نمایندگان بی واسطه شاه یا بانوان سلطنتی بودند.

می توان از مقادیر کالاهایی که صرف سفره شاه می شد، نتیجه گرفت که تعداد ملازمان دربار به ده ها هزار تن می رسید. تحرک دربار بین اقامتگاه های متعدد هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی به مصلحت بوده است؛ چرا که یک منطقه به تنهایی نمی توانست دربار و ملازمان آن را در تمامی سال پشتیبانی کند.

پیش از آن که تدارکات سلطنتی به دست مقامات درباری برسد، تمهیدات گسترده ای اندیشیده می شد و در اماکنی که دربار در آن ها توقف می کرد، ذخایر کالاها ایجاد می شدند. بدین ترتیب، حرکت دربار می بایست با فاصله زمانی زیادی از پیش برنامه ریزی می شد. ورود ناگهانی شاه و دربارش به مکانی که آماده نشده بود، ممکن بود به فاجعه بیانجامد.

بایگانی باروی تخت جمشید همچنین نشان می دهد که چند تن از بانوان سلطنتی، دربار، املاک، خدمه و کارگران وابسته به خود را داشته اند. این امر در مورد دو همسر داریوش یعنی ایرتشدونه (ارتیستونه) و اودوسه (آتوسا)، و ایردبمه، احتمالاً مادر داریوش، صدق می کند. هرکدام از این سه زن، ملازمان خود را داشتند که به همراه ایشان مسافرت می کرد. سفرهای این بانوان نیز الزاماً با سفرهای شاه همزمان نبود.

4. King and court

Grain, livestock, wine and beer were issued in large amounts to support the royal court or the separate courts of leading women of the royal family. Royal provisions also included rare products such as honey, cheese, prepared food and (fattened) poultry. All these were requisitioned by officials who travelled with the mobile court and made contact with local administrations in Susa, Persepolis, Ecbatana and elsewhere. The responsible court officials carried seals with special authority. They were direct representatives of the King or the royal women.

The amounts of commodities disbursed for the table of the King suggest an entourage of tens of thousands of people. That the court moved between various residences was not only politically but also economically expedient: a single region would not have been able to support it throughout the year.

Before the royal provisions were received by court officials an immense preparation had already taken place. Stocks of commodities were built up at places where the court would halt. Its movement therefore must have been planned long in advance. The sudden appearance of the King and his court at a place that was unprepared would have been disastrous.

The Persepolis Fortification Archive also reveals that several royal women had their own households, with their own estates, staff and dependent workers. This is true for Irtašduna (Artystone) and Udusa (Atossa), two wives of Darius, and for Irdabama, perhaps the King's mother. Each of these three women had an entourage that travelled with them; their travels did not necessarily coincide with those of the King.

۵. شخصیت‌های تاریخی

بایگانی باروی تخت جمشید علاوه بر اطلاعاتی مفصل در زمینه تاریخ اجتماعی - اقتصادی، اشاراتی جزئی به زندگی اشخاص تاریخی در سایر منابع را نیز به دست می‌دهد. شمار روبه‌رشدی از پارسیانی که در کتاب هفتم تواریخ هرودوت به آن‌ها اشاره شده در بایگانی قابل شناسایی است. اهمیت چنین ارتباط‌هایی و رای یک تشخیص هویت ساده است: در حالی که هرودوت دیدگاهی بیرونی (و گاهی خصومت‌آمیز) در رابطه با رویارویی نظامی میان پارسیان و یونانیان ارائه می‌کند، بایگانی بارو با ارائه شواهد بدون جهت‌گیری و دست‌اول، این اشخاص را در شبکه‌ای اقتصادی و اجتماعی به ما معرفی می‌کند. مقابله، مقایسه و متعادل‌سازی این قبیل دیدگاه‌ها به روشی ضروری در پژوهش تاریخی تبدیل شده است - روشی که وجود آن در گرو بایگانی باروی تخت جمشید است.

5. Historical personalities

In addition to detailed evidence for socio-economic history, the Persepolis Fortification Archive also affords glimpses of the lives of historical personalities known from other sources. A growing number of Persians known from Book 7 of the Histories of Herodotus can be recognized in the Archive. The importance of such connections goes beyond simple identification: whereas Herodotus offers an external (and sometimes hostile) view relating to the military conflict between Persians and Greeks, the Fortification archive presents objective, primary evidence that places the individuals in an economic and social network. Confronting, comparing and balancing these perspectives has become an essential method for historical research - a method brought into existence by the Persepolis Fortification Archive.

۶. مهرهای بایگانی بارو، پنجره‌ای نو به هنر هخامنشی

مقامات، مهرهای مسطح و استوانه‌ای خود را بر الواح گلینی که هنوز خشک نشده بودند می‌زدند، تا این اسناد را با نشانه‌هایی از اختیارات و هویت خود تکمیل کنند. اصل مهرها از میان رفته، و تنها نقوش آن‌ها بر الواح بارو باقی مانده است. در برخی موارد، چنده اثر از یک مهر برجای مانده، و در برخی دیگر، تنها یک اثر در دست است. پروژه بایگانی باروی تخت جمشید تاکنون بیش از ۴۰۰۰ مهر متمایز و قابل شناسایی را در کاتالوگ به ثبت رسانده است. با احتساب سراسر این مجموعه، احتمالاً در حدود ۴۵۰۰ تا ۵۰۰۰ تصویر متمایز و قابل شناسایی مهر در بایگانی وجود دارد.

مقیاس پدیده به‌کارگیری مهرها در تخت جمشید خیره‌کننده است. شناسایی هرگونه مجموعه دیگری از هنر باستانی (از یک مکان واحد) قابل‌قیاس با این مهرها را دشوار می‌کند. چشم‌گیرترین جنبه این مجموعه بصری، بافت مربوط به بایگانی آن است. به‌عبارتی، تصاویر مهرهای تخت جمشید در شبکه پیچیده‌ای از ارتباطات اجتماعی و اداری میان صدها نفر جای دارد، که از طریق نام، اداره یا سمتشان در این بایگانی‌ها ذکر شده‌اند. این اشخاص در گستره‌ای از رتبه / موقعیت قرار دارند؛ از مدیران رده‌پایین گرفته،



شکل ۷. گزارش حساب حیوانات اهلی PF 2009 (رو و پشت)
Figure 7. Livestock account PF 2009 (obverse and reverse)

تا پادشاه عالی‌مقام. تصاویر مزبور بر الواحی دیده می‌شوند، که به بافتی شناخته‌شده (و حاصل از کاوش باستان‌شناختی) تعلق داشته و همگی بخشی از یک پدیده اجتماعی - اداری واحد را تشکیل می‌دهند: آنچه که امروز بایگانی بارو خوانده می‌شود. دوران حکومت داریوش، که این الواح با آن همزمان هستند، یکی از سرنوشت‌سازترین دوره‌ها در تاریخ آسیای غربی باستان است. در اواخر سده ششم پیش از میلاد، اکثر روال‌های بصری و درباری جهان هخامنشی، بارز شده و به‌قاعده درآمده بود. مهرهای بایگانی بارو، نه تنها شاهدهی بر این شکوفایی هنر هخامنشی است، بلکه مؤید نقطه آغاز آن نیز هست.



شکل ۸. نوشته آرامی بر روی PF 1820
Figure 8. Aramaic epigraph on PF 1820

تصاویر مهرها در این بایگانی، همچنین شبکه بصری گسترده و پیچیده‌ای را تشکیل می‌دهند. گرچه بسیاری از مهرهای منفرد در بایگانی بارو، آثار هنری چشمگیری به‌شمار می‌آیند، لیکن میراث تعیین‌کننده مجموعه پیش‌رو، همانا نقاط اشتراک به‌هم پیوسته در سبک و شمایل‌نگاری در میان هزاران مهر آن است. در بستر این شبکه بصری، تاریخ هنر هخامنشی نهفته است، با چنان میزانی از عمق و پیچیدگی، که حتی تصور آن نیز هرگز بدون کمک این تصاویر مهرها ممکن نبود. بدین ترتیب، این مهرها منبعی برای مطالعات بر روی مضمون‌بنیان، شمایل‌نگاری و سبک‌شناسی برای نسل‌های آینده خواهند بود.

6. A new window on Achaemenid art: seals from the Fortification archive

Officials applied stamp seals and cylinder seals to still-moist clay tablets to complete the records with marks of their authority and identity. The seals themselves are lost, the Fortification tablets preserving only the impressions. In some cases, there are many dozens of impressions of the same seal; in other cases, only one. The Persepolis Fortification Archive Project has catalogued to date just over 4,000 distinct and legible seals. When a full reckoning is made, there may be as many as 4,500-5,000 distinct and legible seal images preserved in the archive.

The scale of the glyptic phenomenon at Persepolis is breathtaking. One is hard-pressed to identify any other corpus of ancient art (coming from a single location) that is comparable. The most striking aspect of this visual corpus is its archival context. That is, the glyptic imagery at Persepolis exists within a complex network of social and administrative relations between hundreds of individuals mentioned by name, office, and/or designation in the archive; those individuals range in rank and status from low-rank administrators to the Great King. The images occur on tablets that come from a known and archaeologically excavated context and are all part of a single socio-administrative phenomenon: what we today call the Fortification Archive. The reign of Darius, with which they coincide, marks one of the seminal moments in the history of ancient western Asia. The late sixth century BCE saw the emergence and canonization of most of the visual and courtly protocols of the Achaemenid world. The glyptic from the archive not only bears witness to this flowering of Achaemenid art but also attests to its origins.

The seal images from the archive also constitute a vast and complex visual network. While many individual seals from the Fortification archive are remarkable works of art, it is the collective intersections of style and iconography among thousands of seals that will be the defining legacy of this corpus. Embedded in this visual network is a history of Achaemenid art, the depth and complexity of which we would never have suspected were it not for these seal images. As such, they will be a source of formal thematic, iconographic, and stylistic studies for generations to come.

۷. کارگران

بایگانی باروی تخت جمشید، اقتصاد توزیعی متمرکزی را منعکس می‌کند که در آن ده‌ها هزار تن کارگر فعال بودند. این کارگران در عیلامی کورتش نامیده می‌شدند. کورتش واژه‌ای برگرفته از grda- در فارسی باستان، با معنای اصلی «خدمتکار خانه، خدمتکار» است. این واژه در زمان الواح تخت جمشید به طبقه‌ای از کارگران وابسته اشاره داشته است. این کارگران نه برده بودند و نه به‌معنای واقعی کلمه آزاد به‌شمار می‌رفتند. معیشت آن‌ها وابسته به نهادهای دولتی سلطنتی و شهری بود. در پارسه معمولاً حقوقی معادل دو سوم به این طبقه از کارگران پرداخت می‌شد و انتظار می‌رفت که منابع درآمد بیشتری را از جاهای دیگر پیدا کنند. پادشاه‌های گاه‌وبی‌گاه در قالب دانه غلات به کورتش‌ها، نشان می‌دهد که آن‌ها احتمالاً صاحب زمین‌های کوچکی بودند، که می‌توانستند غذای مورد استفاده خود را در آن زمین‌ها کشت کنند. برخی فهرست‌های جیره میان کورتش و بردگان واقعی تفاوت قائل شده است. هرچند که بردگان در اقتصاد تخت جمشید به‌ندرت دیده می‌شوند، لیکن در بایگانی به آن‌ها اشاره شده و برخلاف کارگران کورتش، امکان خرید و فروش بردگان وجود داشته است.

اغلب کاری که در سازمان اداری تخت جمشید تدارک دیده می‌شد نیاز به نیروی کار فراوانی داشت: استخراج و پرداخت سنگ، احداث و نگهداری راه‌ها و کانال‌های آبیاری، تهیه آرد، آماده‌سازی آبجو، شخم‌زدن مزارع و غیره. مقامات هخامنشی در پارس و

سایر مناطق، به‌طور پیوسته به‌دنبال کارگران، به‌ویژه کارگران ماهر بودند و گاهی اقدام به استخدام کارگر از نقاط دور دست می‌کردند. به‌همین دلیل است که الواح بارو اغلب از کارگران بلخی، مصری، لودیایی، بابلی و غیره نام می‌برند. تمایل به سرمایه‌گذاری‌های کلان در استخدام گروه‌های بزرگ کارگران از نقاط دور دست شاهنشاهی، تأکیدی است بر نیاز به نیروی کار در تخت‌جمشید. نیروی کار در شاهنشاهی هخامنشی، هم بیانگر واقعیت یک شاهنشاهی با مردمان، فرهنگ‌ها و زبان‌های بسیار است، و هم بیانگر آرمان گردآوری همه ملت‌ها تحت لوای یک حاکمیت واحد.

متون بارو میان کارگران مرد، زن، پسر و دختر تمایز قائل شده و به‌مقتضای سن کودکان، جیره‌های مختلفی تحویل آن‌ها داده می‌شد. بزرگسالان در صورتی که مهارت خاصی داشتند یا نقش رهبری را عهده‌دار بودند، جیره‌ای بیشتر از میزان معمول دریافت می‌کردند. از این رو است که بایگانی تخت‌جمشید، قابلیت ارائه دیدگاهی مفصل را از تنوع و تمایز، حتی در سطوح پایین جامعه هخامنشی داراست.

جایگاه زنان نیز مسئله‌ای قابل ذکر است. زنان می‌توانستند رهبر یک گروه کاری باشند یا در گروه‌های مختلط، سهمیه‌ای بیش از مردان دریافت کنند. این مسئله احتمالاً بدین معنا بود که برخی از انواع کارها به‌مثابه حیطة تخصصی زنان قلمداد می‌شده است. زنان در این حوزه‌های تخصصی می‌توانستند استقلال و جایگاه مشخصی را کسب کنند. بافندگی و تولید منسوجات از روشن‌ترین حیطة‌هایی است که زنان می‌توانستند در آن‌ها نقش رهبری را به‌عهده بگیرند.

علاوه‌براین، برخی اوقات زنان از حالت گمنامی که معمولاً مختص به نیروی کار ساده در دوران باستان است، بیرون می‌آمدند. هخامنشیان برای مادران به‌ازای هر فرزندی که به دنیا می‌آوردند، جیره‌ای اضافه در نظر می‌گرفتند. برخی از این متون با اشاره به نام این مادران، پیوندی پراحساس ایجاد می‌کنند که در اسناد اداری کهن کمیاب است.

7. The workers who made everything possible

The Persepolis Fortification Archive reflects a centralized redistributive economy in which tens of thousands of workers were active. In Elamite these are called *kurtaš*, from Old Persian *grda-*, the original meaning of which was “household servant, domestic.” By the time of the Persepolis tablets, the word had come to denote a class of dependent workers. They were neither slave nor really free. They depended on royal or satrapal government institutions for their subsistence. At Pārsa, they were typically paid only 2/3 salaries and were expected to find additional sources of income elsewhere. Occasional gifts of seed to *kurtaš* indicate that they could have little plots of land to grow their own food. Some ration lists distinguish between *kurtaš* and real slaves. Although they are rarely visible in the Persepolis economy, slaves existed; unlike *kurtaš* workers they could be bought and sold.

Much of the work organized by the administration at Persepolis was labor-intensive: stone-quarrying and finishing, building and maintaining roads and irrigation canals, grinding flour, brewing



a



b



c

شکل ۹. یادداشت PF 0702 دربارهٔ آرد مربوط به سفرهٔ شاه (لبهٔ چپ، رو و پشت)
Figure 9. Memorandum PF 0702 on flour for the royal table
(left edge, obverse, and reverse)



شکل ۱۰. نقش مهر PFS 0093* همراه با کتیبه‌ای که از کوروش انشان، پسر ششیش نام می‌برد، بر روی PF 0692؛ ترسیم توسط م. ب. گریسون
 Figure 10. Impression of seal PFS 0093*, with inscription naming Kuraš of Anzan, son of Šešeš, on PF 0692; drawing by M. B. Garrison

beer, plowing fields, etc. Authorities in Achaemenid Pārsa and elsewhere were constantly looking for workers, especially skilled ones, and they often recruited them from far away. For this reason, Fortification texts sometimes identify workers as Bactrian, Egyptian, Lydian, Babylonian, etc. The willingness to invest the high cost of bringing large groups of workers from distant parts of the empire to Persepolis underscores the demand for labor. The labor force in the Achaemenid empire reflected both the reality of an empire of many peoples, cultures and languages, and the aspiration to unite all these peoples under a single rule.

Fortification texts about workers usually distinguish men and women, boys and girls. Children receive different rations according to their age group; adults may receive more than the standard rations if they have special skills or a leading position. The Archive therefore affords a detailed view of variation and distinction even in the lower levels of Achaemenid society.

Also noteworthy is the status of women. Women could be team leaders and in some mixed teams they could earn higher rations than men. This probably means that some types of work were seen as the particular domains of women, within which they could gain a certain autonomy and status. Weaving and textile production are the clearest example of a domain where women could take leading roles.

Furthermore, women sometimes rose from the anonymity usually reserved for ordinary laborers in antiquity. The Achaemenids rewarded mothers with supplementary rations for each child they bore. Some texts give the names of these mothers, creating a poignant immediacy that is rare in ancient administrative documents.

۸. کاتبان

برای پارسیانی که پیش از شاهنشاهی هخامنشی در پارسه زندگی می‌کردند، تمدن شهرنشینی و سنت‌های کهن کتابت در عیلام، قطب‌های فرهنگی به حساب می‌آمدند. پارسیان متقدم جهت بیان مقاصد مکتوب خود از زبان عیلامی، که به نسخه عیلامی خط میخی نگارش می‌شد، استفاده می‌کردند. مهر حاوی کتیبه «کوروش انشانی، فرزند ششیش» که متعلق به دورانی بین اواخر سده هفتم و اوایل سده ششم پیش از میلاد است (نک. ۶.۸) شاهی بر این مسئله است.

برای مدت مدیدی چنین تصور می‌شد که کاتبان بومی عیلامی زبان، نویسنده متون عیلامی باروی تخت جمشید بودند. لیکن تحلیل دقیق‌تر زبان عیلامی هخامنشی نشان می‌دهد که این زبان، گونه ایرانی‌شده زبان عیلامی بوده که به وسیله گویش‌وران پارسی باستان دگرگون شده است. این دسته از گویش‌وران، زبان عیلامی را به عنوان زبان دوم خود برای ثبت نوشته‌ها و احتمالاً برقراری ارتباط با مراکز شهری در بخش پست (کم ارتفاع) منطقه عیلام برگزیدند. این گونه متأخر از زبان عیلامی، آکنده از عناصری است که از زبان پارسی باستان سرچشمه گرفته‌اند. عناصر مذکور نه تنها تعداد زیادی وام‌واژه و واژگان پارسی باستان را که به خط عیلامی حرف‌نویسی شده‌اند دربر می‌گیرند، بلکه شامل ساختارهای نحوی پارسی باستان نیز هستند. این ساختارها در گونه‌های کهن‌تر زبان عیلامی وجود نداشته‌اند.

در بایگانی باروی تخت جمشید، عناوین قومی بسیاری به چشم می‌خورند، از «سکایی»، «سغدی» و «گنداری» گرفته تا «مصری»، «تراکیه‌ای» و «یونانی». عنوان «پارسی» چندان معمول نیست، چراکه بیشتر صحنه‌گردانان اقتصاد تخت جمشید پارسی

بوده و نیازی به شناساندن خود بدین شکل نداشته‌اند. با وجود این، هرگاه که ضرورت ایجاد می‌کرد، برای ممانعت از آشفتنگی احتمالی در اشاره به کاتبانی که متون عیلامی را به خط میخی بر روی الواح گلی می‌نوشتند، روش بی‌ابهام آن بود که کاتبان موردنظر را با عنوان «پارسی» بخوانند؛ زیرا عیلامی، شیوه بیان مکتوب پارسیان بوده است. به‌منظور تشخیص کاتبانی که به زبان آرامی و به خط الفبایی می‌نوشته‌اند، قاعده بر این بوده که آنان را «کاتبان بابلی» بخوانند. به این دلیل که زبان آرامی به شکل گسترده‌ای در دوران هخامنشی در بابل تکلم و نوشته می‌شد.

کاتبانی که به عیلامی و آرامی می‌نوشتند، در سطوح مختلفی عمل می‌کردند. کاتبان متون عیلامی بخش بزرگی از بایگانی باروی تخت‌جمشید را که در دسترس ماست نوشته‌اند. برخی از کاتبانی که تعلیم بهتری دیده بودند، گاهی از نشانه‌های میخی کم‌بسامد و پیچیده یا نحو عیلامی پیچیده استفاده می‌کردند. درست برخلاف این دسته، برخی کاتبان نیز بودند که به‌سختی موفق می‌شدند تا مقصود خود را به عیلامی بنویسند. با این حال، بیشتر کاتبان یک دسته مشابه از قواعد را با واژگان تقریباً یکسان و نحو ساده‌سازی شده به کار می‌بردند. این مسئله می‌تواند نمایانگر وجود نوعی نظام آموزشی باشد.

عبارت «[که] بر پوست حیوان می‌نویسند» (یعنی چرم)، اغلب برای اشاره به کاتبان متون آرامی به کار برده می‌شد. این کاتبان پیش‌نویس‌های مرتبط با فرامین مدیر، مجوزهای سفر، مکاتبات رسمی و دیگر اسنادی را که امروزه از بین رفته‌اند، تحریر می‌کردند. مکاتبات ارشامه از مصر (که اکنون در کتابخانه بولین در آکسفورد نگهداری می‌شوند) یا اسناد آرامی از بلخ دوران هخامنشی (که اکنون در مجموعه خلیلی در لندن نگهداری می‌شوند) نشان می‌دهند که سطح بالای دیوان اداری در این دوران می‌توانسته به چه شکل باشد. تنها شواهد باقی‌مانده از استفاده از زبان آرامی در تخت‌جمشید به دو گروه تقسیم می‌شوند: نوشته‌های آرامی بر روی متون عیلامی و حدود ۸۴۰ لوح که بر روی آن‌ها اغلب متون بسیار کوتاه آرامی یا با مرکب نوشته شده یا بر روی گل نرم کنده شده است.

8. Scribes

For Persians living in Pārsa before the Achaemenid empire, the urban civilization and long writing traditions of Elam were cultural poles. The early Persians used the Elamite language, written in the Elamite version of cuneiform script, to express themselves in writing. The seal with the inscription of “Kuraš of Anzan, son of Šešpeš,” dating to the late seventh or early sixth century BCE (see no. 6.8), bears witness to this.

It was long believed that native Elamite scribes wrote the Elamite Persepolis Fortification texts, but close analysis of Achaemenid Elamite suggests rather that it was a Persianized form of Elamite, transformed by speakers of Old Persian who adopted Elamite as a second language for their written records and perhaps for communicating with the lowland Elamite urban centers. This late variety of Elamite language is replete with elements derived from Old Persian. They include not only many loanwords and transcribed Persian words, but also Persian syntactical structures that did not exist in older versions of the language.

Many ethnic labels appear in the Persepolis Fortification Archive, ranging from “Saka,” “Sogdian,” and “Gandhāran” to “Egyptian,” “Skudrian,” and “Greek.” The label “Persian” is not commonly used, because most actors in the Persepolis economy were Persians who did not ordinarily need to identify themselves as such. But when it was necessary to avoid possible confusion, an unambiguous way of referring to scribes writing Elamite texts in cuneiform on clay tablets was to call them “Persian,” because Elamite was how Persians expressed themselves in writing. To identify scribes writing

Aramaic in alphabetic script, it was usual to call them “Babylonian scribes,” since Aramaic was widely spoken and written in Babylonia in the Achaemenid period.

Scribes writing in Elamite and Aramaic operated at different levels. The scribes of Elamite texts produced much of the Persepolis Fortification Archive as we have it. Some who were better trained sometimes used rare or complicated cuneiform signs or complex Elamite syntax. On the other extreme were scribes who barely managed to express themselves in Elamite. Most scribes, however, applied the same set of conventions with roughly the same vocabulary and simplified syntax; this suggests a school system.

Scribes of Aramaic, often referred to as “writing on animal hide” (i.e., on leather) wrote drafts of the direc-



شکل ۱۱. نقش PFS 0857s مهر گبریا س بر روی PF 0688
Figure 11. Impression of PFS 0857s, seal of Gobryas, on PF 0688



شکل ۱۲. نقش مهر *PFS 0001 بر روی PF 0956
Figure 12. Impression of seal PFS 0001* on PF 0956

tor's orders, travel authorizations, official correspondence and other documents that have perished. An impression of how such a higher level of administration could have looked is given by the Aršāma correspondence from Egypt (now in the Bodleian Library, Oxford) or the Aramaic documents from Achaemenid Bactria (now in the Khalili collection, London). The only remnants of the use of Aramaic in Persepolis are the Aramaic epigraphs written on Elamite texts and the about 840 tablets with mostly very short Aramaic texts written in ink or incised in the clay.

۹. تولید

اکثریت قریب به اتفاق متون عیلامی بارو گزارش‌هایی از انتقال، ذخیره‌سازی، پرداخت و مصرف کالاهای خوراکی اساسی هستند. بسیاری از دفاتر کل و گزارش‌های حساب، مربوط به

مقادیر فراوان از این کالاها هستند. برخی از این تولیدات می‌توانند با نتایج تحقیقات گرده‌شناختی بر روی نمونه‌های گرفته‌شده از دریاچه مه‌ارلو و دیگر حوضه‌های آبریز موجود در فارس در ارتباط باشند. افزون بر موارد دیگر، پژوهش مذکور اوج گرفتن تولید گردو را در دوره هخامنشی در مرکز فارس و به همین ترتیب اوج گرفتن تولید زیتون را در ناحیه کازرون نشان می‌دهد. اما این مقادیر زیاد غله و میوه چگونه تولید و جمع‌آوری می‌شدند؟ در مقام مقایسه، تعداد کمی از متون در مورد نظارت اداری بر تولید هستند. با این حال به نظر می‌رسد که طبقه خاصی از اسناد دو دسته از برآوردها را ثبت کرده‌اند: یکی برآورد محصول میوه که هنوز بر روی درختان بوده‌اند و دیگری برآورد غله ترمو که همچنان در زمین‌های زراعی برجای مانده بودند. گروه‌هایی از بازرسان این برآوردها را انجام می‌دادند. سه یا چهار مهر نمایانگر این گروه‌ها هستند، که اغلب بر روی الواح یادشده نقش بسته‌اند. چندین برآورد از این نوع، احتمالاً در فهرست‌هایی گردآوری می‌شدند. این فهرست‌ها، اسناد موقت کاری محسوب شده و بدین منظور تهیه شده بودند تا با استفاده از آنها بتوان روند ثبت مقادیر (محصول) را به شکل درآمد، در گزارش‌های حساب از میزان تولید در مزارع متعدد، تسهیل کرد.

گروه دیگری از اسناد، تعداد حیوانات موجود در دامداری‌ها را ثبت می‌کنند. این حیوانات شامل گوسفند و بز (نک لوح ۲.۹)، اسب و الاغ، شتر و ماکیان بودند. برخلاف غذا و نوشیدنی، امکان انبار کردن حیوانات زنده وجود نداشت. این دسته از گزارش‌های مربوط به موجودی حیوانات، احتمالاً به تولیدات نهایی یک نظام پرورش مشترک مربوط می‌شود. شبانان در این نظام پرورش مشترک، برخی حیوانات را برای استفاده یا مصرف به مقامات اقتصاد تخت جمشید تحویل می‌دادند. با این حال، گزارش‌های مرتبط با فعالیت‌های اساسی مرتبط با گله‌داری، پرورش و تربیت حیوانات و مقادیر زیادی از پشم، کرک و محصولات لبنی که شبانان تولید می‌کردند تقریباً به طور کامل در بایگانی بارو غایب است.

بخش اعظم تولید در اقتصاد تخت جمشید، برای جیره‌های معیشتی مصرف نمی‌شد. کارگران به ندرت ماکیان دریافت می‌کردند؛ جیره‌های میوه نیز بسیار نادر بودند. به نظر می‌رسد که این کالاها برای دربار سلطنتی کنار گذاشته می‌شد و بنابراین، تا حد زیادی از حوزه دید پژوهشگران خارج هستند. این مسئله مجدداً یادآور این نکته است که آنچه که بایگانی بارو نشان می‌دهد، صرفاً بخشی از جامعه و اقتصادی بسیار بزرگ‌تر است.

9. Production

The vast majority of the Elamite Fortification texts are records of transportation, storage, outlay and consumption of basic food commodities. Many ledgers and accounts deal with very large volumes of such items. Some of this production can be correlated with the results of palynological research on drilling cores taken from Lake Maharlou and other bodies of water in Fārs. This research shows, among other things, a peak in walnut production during the Achaemenid period in central Fārs and a similar peak in olive production in the Kāzerūn area.

But how was so much grain and fruit produced and collected? Comparatively few texts arise from administrative control of production, but one particular class of documents seems to record estimates of crops of fruit still on the trees or tarmu cereal still in the field. The estimates were carried out by teams of inspectors, represented by the three or four seals often impressed on such tablets. Several estimates of this kind might be compiled into lists, temporary working documents prepared to help enter the amounts as revenue in accounts of production from many farms.

Another class of documents records numbers of livestock handled at stockyards. Including sheep and goats (see tablet 2.9), horses and donkeys, camels, and poultry. Live animals, unlike food and drink, could not be stockpiled.



شکل ۱۳. نقش مهر *PFS 0016، مهر دوم پرنکه بر روی PF 0665؛ ترسیم توسط م. ب. گریسون
 Figure 13. Impression of seal PFS 0016*, second seal of Parnakka, on PF 0665; drawing by M. B. Garrison

These animal accounts are probably end-products of a system of share-breeding, in which herdsmen delivered some animals to the officials of the Persepolis economy for use or consumption. Records of the basic operations, however – of herding, breeding, handling animals, and of the large amounts of wool, hair, and dairy products that the herds produced – are almost entirely absent from the Fortification Archive.

A large part of the production of the Persepolis economy was not used for subsistence rations. Workers hardly ever received poultry; fruit rations were very rare. Such commodities appear to have been reserved for the royal court and thus largely escape the researcher's view. This is another reminder that that what the Fortification Archive reveals was part of a still larger economy and society.

۱۰. مسافران

راه‌های شاهی، شریان‌های اصلی شاهنشاهی بودند. در سرتاسر شبکه‌ای از راه‌های شاهی که کپی‌شده در گنداره را به سارد در لودییه متصل می‌کرد، هیأت نمایندگی سکاه از دوردست‌ترین نقاط واقع در شمال شرق، مصری‌ها با گذر از بابل، و یونانی‌ها از طریق هگمتانه (همدان) به پارسه می‌آمدند. پیغام‌رسانان تندرو می‌توانستند از سواحل آناتولی تقریباً در عرض دوازده روز به شوش برسند. سطح مواصلات در هر حکومت بزرگی معیار ثبات آن است. هرچقدر مبادلات مردم و کالاها عملی‌تر باشد و پیام‌ها سریع‌تر مخابره شوند، دولت نیز یکپارچه‌تر و منعطف‌تر خواهد شد؛ به‌ویژه اگر مانند شاهنشاهی هخامنشی، دولتی چندملیتی باشد.

بنابراین مایهٔ شگفتی نیست که شاهان هخامنشی و نمایندگانشان در شهرها، سرمایه‌گذاری کلانی را در نظام مواصلاتی کرده باشند. این نظام مواصلاتی همچنین شامل سپاهیان مسلح برای تضمین امنیت و کارگران نگهداری برای باز نگهداشتن جاده‌ها می‌شد. بزرگ‌ترین میزان سرمایه‌گذاری در تأمین ایستگاه‌های بین‌راهی با فاصلهٔ یک‌روزه از یکدیگر (۱۵ تا ۲۵ کیلومتر بسته به منطقه) بود. این ایستگاه‌های بین‌راهی، نیاکان شبکه‌های کاروانسراها در ایران در سده‌های میانی و متأخر به حساب می‌آیند. مسافرانی که در حال انجام مأموریت‌های رسمی بودند، تا زمان رسیدن به مقصد خود، در هر ایستگاه تدارکات روزانهٔ مشخصی را دریافت می‌کردند.

تنها شهرها، قائم‌مقام شهرها و اعضای خاندان سلطنتی می‌توانستند مجوزهای رسمی سفرها را صادر کنند. چنین اسنادی در تخت‌جمشید باقی نمانده‌اند، اما در مکاتبات ارشامه از مصر هخامنشی مجوزی به‌دست آمده که به آرامی و بر روی چرم نوشته شده و با گل‌مهری حاوی اثر مهر شهر اعتبار یافته است. براساس تعداد سفرهای ثبت‌شده در بایگانی باروی تخت‌جمشید می‌توان دریافت که دیوان‌سالاری هخامنشی می‌بایست هزاران سند از این دست را تولید کرده باشد. در این بایگانی، در حدود ۱۵۰۰ متن مربوط به سفر حفظ شده است، که رسید تدارکات این سفرها را ثبت می‌کنند. بیشتر این متون را فرد تأمین‌کننده در ایستگاه بین‌راهی و مسافر یا رهبر دسته‌ای بزرگ‌تر از مسافران مهر کرده است.

متصدیان انبارها در ایستگاه‌های بین‌راهی، به‌نوعی تجسم شاهنشاهی هخامنشی بودند. این افراد بدین منظور آموزش دیده بودند تا مهرهای شهرها، حتی شهرهای مناطق بسیار دورتر را تشخیص دهند. این متصدیان، نظاره‌گر مسافرانی بودند که از دورترین بخش‌های شاهنشاهی آمده و به دورترین مناطق می‌رفتند. ایشان شاهد غنای زبانی و فرهنگی این شاهنشاهی بودند. در عین حال، آن‌ها مکان‌هایی را در شبکه‌ای به‌وسعت شاهنشاهی در اختیار داشتند، که روال اداری در آن‌ها، دقیقاً مشابه روال مورد استفاده در دیگر ایستگاه‌ها بوده است. وحدت سرزمین‌های هخامنشی وابسته به این افراد بود.

10. The empire at Persepolis: texts on travelers

The royal roads were the main arteries of the empire. Over a network of royal roads that connected Kapiša in Gandhāra to Sardis in Lydia delegations of Sakā came from the far northeast, Egyptians travelled through Babylonia, and Greeks were sent via Ecbatana (Hamadan) to Pārsa. Express messengers could reach Susa from the Anatolian



شکل ۱۴. نقش مهر PFS 0108* بر روی PF 1986
 Figure 14. Impression of accounting seal PFS 0108* on PF 1986

coast in about twelve days. The level of connectivity of any larger state is a measure of its stability. The more exchanges of people and commodities are possible and the faster messages can travel, the more integrated and resilient the state will become, especially if it a large transnational empire like the Achaemenid.

It is therefore no surprise that the Achaemenid kings and their representatives in the satrapies invested heavily in the road system. This involved armed troops to guarantee security and maintenance workers to keep the roads passable. The largest investment was supplying the way stations that lay at distance of a day's travel (15-25 kilometers, depending on the terrain) predecessors of the Iran's mediaeval and later networks of caravanserais. Travelers on official missions would receive specified daily provisions at each stop until they reached their destination.

Only satraps, deputy satraps and members of the royal house could issue official travel authorizations. No such document survives from Persepolis, but the Aršāma correspondence from Achaemenid Egypt includes an authorization written in Aramaic on leather and authenticated by a clay bulla with an impression of the satrap's seal. The Achaemenid bureaucracy must have produced many thousands of such documents judging from the volume of travel recorded in the Persepolis Fortification Archive. The Archive preserves about 1,500 travel texts recording the receipt of travel provisions; most of these are sealed by the supplier at the way station and by the traveler or the leader of a larger travelling group.

The store masters at the way stations were, in a sense, an embodiment of the Achaemenid empire. They were trained to recognize the seals of the satraps, even those of far-away provinces. They saw travelers going to and from the most distant corners of the empire. They witnessed the empire's richness of languages and cultures. At the same time, they occupied places in an empire-wide network that applied the same procedures at any other way station on the royal roads. The unity of the Achaemenid lands depended on them.

۱۱. ایزدان پارس

دستگاه اداری تخت جمشید، به منظور حمایت از مراسم و کارکنان مذهبی، که اجزای لازم در بافت اجتماعی - اقتصادی پارس هخامنشی بودند، خوراک و اشربه فراهم می آورد. برای مثال، ضیافت‌های بزرگ قربانی درواقع گردهمایی‌هایی اجتماعی بودند که در آن‌ها، کارگران رده پایه می توانستند از جیره کم یاب گوشت بهره مند شوند. گاه بانی این قربانی‌ها شخص پادشاه بود، که بدین ترتیب، هم پرهیزگاری خود را نسبت به خدایان به نمایش می گذاشت، و هم به زبردستانش (که از پیشکش‌ها بهره می بردند) گشاده دستی می کرد. درواقع، پیشکشی‌ها به ایزدان، از جمله شراب، آبجو، غلات، میوه‌ها و حیوانات اهلی، پس از انجام مراسم، توسط انسان‌ها مصرف می شده‌اند. از این طریق، برخی قربانی‌ها به عنوان نوعی درآمد پایه برای کارکنان مذهبی عمل می کردند.

ایزدان نام برده در بایگانی باروی تخت جمشید دارای پیشینه‌های عیلامی و (هندو-) ایرانی بوده، و تنها تعداد اندکی از ایشان (همچون اورمزدا) با سنت زردشتی مرتبط هستند. از این میان می توان به خدایان برجسته ذیل اشاره کرد: هومین، که ایزد سلطنتی مهمی در فرهنگ عیلامی بوده است؛ نپیریسه، خدای آب‌های شیرین عمیق که مدت‌ها در ارتفاعات عیلام پرستش می شده است؛ و میشدوشیش «(او) که با گشاده دستی می بخشد»، ایزدبانویی که دارای همتایانی در ایزدکده ودایی هندوستان است.

این چشم‌انداز آمیخته در میان خدایان الواح تخت جمشید، به شکل‌های گوناگون تفسیر شده است. یک پاسخ، در نظر گرفتن گستره‌های مذهبی مختلف برای افراد متفاوت بود: یکی پارسی، با دین حکومتی زردشتی، و دیگری دین عیلامی متعلق به ساکنان اصلی جنوب غرب ایران، که عملاً توسط حکومت تحمیل می شده است. لیکن بررسی دقیق مکان‌ها، اشخاص و اصطلاحات فنی موجود در متون مربوط به فعالیت‌های مذهبی، به این امر اشاره دارد که دیدگاه فوق دقیق نیست. خدایان دارای نام‌های عیلامی، در کنار ایزدان با نام‌های ایرانی پرستش می شده و روحانیان با نام‌ها یا القاب عیلامی و ایرانی، اجرای مراسم مربوط به ایزدانی با هردو پیشینه را بر عهده داشتند. این چشم‌انداز مذهبی، نتیجه سده‌ها هم‌زیستی عیلامیان و پارس‌ها و احتمالاً تبادل فرهنگی سنن

دینی عیلامی و ایرانی است. از دیدگاه فوق، این پرسش که «آیا هخامنشیان زردشتی بودند؟» نوعی ساده‌انگاری غیرواقع‌بینانه است. شواهد مستقل حاصل از الواح مورد بحث، سزاوار توجه کامل است. متون مزبور، حقایقی را از اعمال دینی به‌نمایش می‌گذارند، که عمیقاً در جامعه‌های زراعی - دامپروری ریشه کرده بود. جامعه‌ای که بقای آن در گرو دسترسی به آب، سلامت حیوانات و گیاهان، و محافظت از موجودی انبارها بود. بدین ترتیب، نگاه از پایین‌به‌بالای این الواح، مکمل مناسبی را برای دیدگاه از بالا به‌پایین کتیبه‌های شاهی هخامنشی فراهم می‌کرد. این ترکیب نادر، در حال دگرگون کردن روش‌هایی است که طی آن‌ها، پژوهشگران، دین هخامنشی را به‌عنوان پدیده‌ای جداگانه مورد بحث قرار می‌دهند.

11. The gods of Persia

The Persepolis administration provided food and drink to support cults and cultic personnel, integral parts of the socio-economic fabric of Achaemenid Pārsa. Large sacrificial feasts, for example, were social gatherings at which lowly workers would receive rare meat rations. Sacrifices were sometimes sponsored by the king, who thus displayed both his pious attitude to the gods and his munificence to the subjects who benefitted from the offerings. The wine, beer, grain, fruits and livestock that were offered to the gods were actually consumed by humans after the rite had taken place. In this way, some sacrifices served as a kind of basic income for cultic personnel.

The gods mentioned in the Persepolis Fortification archive have Elamite and (Indo-)Iranian backgrounds. Only a few, such as Auramazdā, have a connection with the Zoroastrian tradition. Prominent gods include Humban, who had been an important royal god in Elamite culture; Napiriša, the god of deep, sweet waters long venerated in the Elamite highlands; and Mišdušiš, “(she) who donates generously,” a goddess with parallels in the Indian Vedic pantheon.

The mixed divine landscape of the Persepolis tablets has been explained in different ways. One response was to assume different religious spheres for different peoples: a Persian, Zoroastrian state religion and a pragmatically tolerated Elamite religion belonging to the original inhabitants of southwestern Iran. But close study of the places, people and technical terms in texts on cultic activity shows that this approach cannot be accurate. Gods with Elamite names were venerated side by side with gods with Iranian names; priests with Elamite or Iranian names or designations could tend to the cults of gods with both Elamite or Iranian backgrounds. If anything, the divine landscape shows the result of centuries of coexistence of Elamites and Persians and perhaps acculturation of Elamite and Iranian religious traditions. From this point of view the question “were the Achaemenids Zoroastrian?” is an unrealistic simplification. The independent evidence of the tablets deserves full prominence. These texts show the realities of cultic practises deeply ingrained in an agro-pastoralist society for which the availability of water, the well-being of animals and crops and the protection of stocks were vital for survival. Their bottom-up perspective offers a welcome complement to the top-down view of the royal Achaemenid inscriptions. This rare combination is transforming the ways scholars discuss Achaemenid religion as a phenomenon of its own.



شکل ۱۵. نقش مهر PFS 1393s مربوط به یک سکهٔ دریک، بر روی PF 01495
Figure 15. Impression of seal PFS 1393s, a daric, impressed on PF 1495



شکل ۱۶. نقش مهر PFS 0048 بر روی PF 0315
Figure 16. Impression of seal PFS 0048 on PF 0315

۱۲. کاری بی انتها

ریچارد ت. هلک، کار بر روی الواح باروی تخت جمشید را در سال ۱۹۳۷ میلادی آغاز کرد، و آن را پس از وقفه‌ای در طول جنگ جهانی دوم، تا زمان مرگش در سال ۱۹۸۰ ادامه داد. در آن زمان، او در حدود ۲۱۰۰ متن را منتشر کرده، و ویرایش ۲۶۵۰ نسخه

دیگر را آماده کرده بود. ویرایش تقریباً ۵۰۰۰ متن عیلامی، آن‌هم در شرایطی که هلك در آغاز کار، شناخت چندانی از آن‌ها نداشت، دستاوردی به‌غایت عظیم است. لیکن او همچنان بخش‌های بسیاری را از این بایگانی دست‌نخورده باقی گذاشت. طبق تخمین پروژه بایگانی باروی تخت‌جمشید، همچنان تعداد ۲۵۰۰ لوح و قطعات الواح حاوی متون عیلامی قابل‌استفاده و هزاران قطعه کوچک‌تر دیگر برجای مانده است. همچنین، تعداد ۸۴۰ لوح آرامی و حدود ۵۰۰۰ لوح نانوشته نیز وجود دارد. هیچ‌یک از این موارد، تا پیش از آغاز پروژه تخت‌جمشید منتشر نشده بود.

همان‌طور که هلك متوجه شد، مطالعه چنین مجموعه عظیمی نمی‌توانست توسط یک نفر انجام شود، بلکه نیازمند همکاری متخصصان گوناگونی بود. جرج کامرون، که مجموعه عیلامی دیگری را از تخت‌جمشید (یعنی بایگانی خزانه تخت‌جمشید) منتشر کرده است، در سال ۱۹۴۸ درباره این انزوای علمی چنین انتقاد می‌کند: «بدون تردید، [کیفیت] ترجمه‌ها بهبود می‌یافت، اگر دست‌کم از توجه یک دانشجوی عیلامی دیگر بهره می‌جست. زیرا دو ذهن، یکدیگر را تقویت کرده و معمولاً اگر پاسخی به یک مسئله وجود داشته باشد، بدان دست می‌یابند؛ در حالی که گاه همان مسئله، به خودی خود و برای یک ذهن، حل نشدنی به‌نظر می‌رسد. لیکن رخداد جنگ مانع از شکل‌گیری چنین ارتباطاتی و موجب انقطاع تمامی فعالیت‌های آموزشی در این زمینه شد؛ حتی برای افرادی که آشنایی با مواد دردسترس حاضر را آغاز کرده بودند. بدین ترتیب، این کار، وظیفه‌ای انفرادی بود».

هلك، که پژوهشگری فروتن، منتقد از خود و موشکاف بود، از تصحیح ویرایش‌های خود، ولو پس از انتشار آن‌ها دست بر نداشت. پروژه بایگانی باروی تخت‌جمشید نیز تلاش کرده است تا پا جای پای او نهاده، دیدگاه‌های او را گسترش داده، گام‌های جدیدی را در راهی که او تنها آغاز به اکتشاف آن کرده بود نهاده، و گاه خوانش‌های وی را تصحیح کند. انجام این کار، حقیقت کلام کامرون را بیش از پیش نمایان کرده است: پانزده سال همکاری نزدیک میان متخصصان عیلامی، آرامی و مهرهای هخامنشی، نه‌تنها دیدگاه‌های جامع‌تری را ایجاد کرده، بلکه همچنین راه را بر روی روش‌های تحقیق نادرست بسته است.

12. A work without end

Richard T. Hallock started working on the Persepolis Fortification tablets in 1937 and continued, after a break during the Second World War, until his death in 1980. At that time, he had published about 2,100 texts and prepared manuscript editions of another 2,650. To edit almost 5,000 Elamite texts, hardly understood when Hallock started working, is an accomplishment of titanic proportions, but it nevertheless left many parts of the archive untouched. The Persepolis Fortification Archive Project estimates that there are 2,500 or more tablets and fragments with useful Elamite texts and thousands of smaller fragments. Also, there are some 840 Aramaic tablets and up to 5,000 un-

scribed tablets. None of these had been published before the start of the Persepolis project.

As Hallock realized, studying such a massive corpus cannot be the work of a single person but necessitates cooperation of various specialists. George Cameron, who published another Elamite corpus from Persepolis, the Persepolis Treasury Archive, complained in 1948 about his academic isolation. “Without doubt,” Cameron wrote, the “translations would have been improved if they could have received the attention of at least one more student of Elamite, for two minds are mutually invigorating and will usually secure an answer, if one can be found, to a problem that in itself and to one mind seems at times insolvable. The advent of the war, however, precluded all such contacts and withdrew from scholastic work even those who had begun to familiarize themselves with the materials at hand. The task therefore was a lonely one.”

Hallock, a modest, self-critical and scrupulous scholar, kept correcting his own editions even after their publication. The Persepolis Fortification Archive project has tried to follow in his footsteps, expanding the views he laid out, taking new steps on paths that he had only begun to explore, and sometimes correcting his readings. In all this, the truth of Cameron’s words became ever more apparent: fifteen years of intense collaboration among specialists of Elamite, Aramaic, and Achaemenid glyptic not only created more inclusive views but also blocked many erroneous research paths.



شکل ۱۷. رونوشت دستی ریچارد ت. هلك از PF 1009
Figure 17. Handcopy by Richard T. Hallock off PF 1009

آینده گذشته

همان‌طور که پژوهشگران حوزه بایگانی باروی تخت‌جمشید به خوبی آگاه هستند، ما در ابتدای راه شناخت این بایگانی قرار داریم. همچون همه پژوهش‌های دیگر، در این مورد نیز در حال پیشروی از دنیای شناخته‌ها به دنیای ناشناخته‌ها هستیم و بسیاری نکات دیگر همچنان باید مشخص شوند. بازگشت این الواح به ایران صرفاً موقعیتی برای انعکاس پژوهش‌های پیشین و جاری نیست، بلکه همچنین می‌تواند به‌عنوان فرصتی برای نگاه به مسیر پیش رو در نظر گرفته شود. فناوری‌های جدید مانند طیف‌سنجی فلورسنس اشعه ایکس (XRF)، که از آن می‌توان برای شناسایی ترکیب‌های گلی استفاده کرد، در حال ورود به این حوزه هستند. با استفاده از اسکن‌های XRF در ارتباط با نمونه‌های گلی جنوب غرب ایران می‌توان محل تولید این الواح گلی را تعیین کرد. فناوری خوانش الواح به‌کمک رایانه، همچون ابزاری برای کمک به پژوهشگران کتیبه‌ها در حیطه کشف رمز قطعات آسیب‌دیده در حال توسعه است؛ اسکن‌های سه‌بعدی را اکنون بسیار ساده‌تر می‌توان ایجاد کرده و نمایش داد و این امر به خوانش الواح کمک شایانی می‌کند. در حوزه‌ای وسیع‌تر در مطالعات هخامنشی، بهره‌وری از ثمره پژوهش جاری در خصوص ویرایش و ترجمه الواح باروی تخت‌جمشید آغاز شده است. مثلاً مورخان کلاسیک در حال آگاه شدن از اهمیت حیاتی این مدارک در مطالعه



شکل ۱۸. ریچارد ت. هالک در حال کار در مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو
Figure 18. Richard T. Hallock at work in the Oriental Institute

جهان یونانی و روابط آن با شاهنشاهی هخامنشی هستند. باستان‌شناسانی که در آسیای میانه مشغول به کار هستند، از ارتباط «چشم‌اندازهای سازمانی» قابل مشاهده در بایگانی بارو (شبکه‌های اداری از جمله راه‌ها، ایستگاه‌های بین‌راهی، انبارها، دژها، مزارع، روستاهای کارگران، مراکز صنعتی و دیگر موارد) را به‌عنوان الگویی برای تفسیر یافته‌های هم‌زمان با دوره هخامنشی آگاه شده‌اند. نتایج پژوهش‌های جاری در حوزه گرده‌شناسی می‌تواند اطلاعات بایگانی بارو درباره تولید میوه را قوام و جهت ببخشد. حوزه‌هایی که تاکنون تنها به‌طور مبهم در اسناد تاریخی دیده می‌شد واضح‌تر خواهند شد. برای مثال، الواح بارو که اکنون در حال آماده‌سازی برای انتشار هستند، اطلاعات قابل توجهی را در مورد تبادل‌های گسترده میان پارسه و ماد به دست می‌دهند، که نشان از اهمیت شمال غرب ایران در دوره هخامنشی دارد. دسترسی به مشخصات دقیق مقامات و مکان‌ها منجر به درک بهتر نظام‌ها و روندهای اداری و ثبت خواهد شد. هنوز موارد متعدد دیگری از جمله دین هخامنشی، تولیدمثل احشام، جایگاه زنان و همین‌طور زبان‌های مورد استفاده و برهم‌کنش‌های میان آن‌ها را می‌توان در این بایگانی کشف کرد. سرانجام، مهرهای برجای‌مانده در این بایگانی، دریچه نوینی را، نه تنها به مطالعه تصاویر بصری در دوران هخامنشی، بلکه همچنین بر مهرهای هزاره اول پیش‌ازمیلاد در ایران باستان می‌گشاید.

بی‌تردید، آینده مطالعات هخامنشی در گرو الواح گلی بی‌ادعای بایگانی باروی تخت‌جمشید قرار دارد. مؤسسه یا دولتی که این منابع غنی را در اختیار دارد، در واقع کلیده‌های چنین آینده‌ای را در دست خواهد داشت. بازگشت این الواح از شیکاگو به تهران، معنایی فراتر از انتقال صرف اشیای باستانی دارد: این بازگشت، آغازگر فصلی تازه در یک ماجراجویی عالمانه و فرصتی برای آینده گذشته ایران است.

The future of the past

As scholars working on the Persepolis Fortification Archive are well aware, the exploration of the Archive has only just begun. Like all research, it proceeds from the known to the unknown, and very much more remains to be known. The return of the tablets to Iran is an occasion not only to reflect on earlier and current research, but also to look ahead. New technologies are entering the field, such as x-ray fluorescence spectrometry (XRF), which can be used to identify different clay compositions. When XRF scans can be correlated with clay samples from southern Iran they

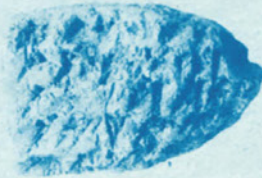
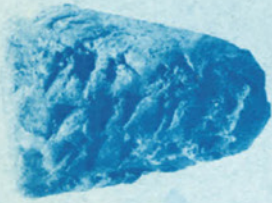
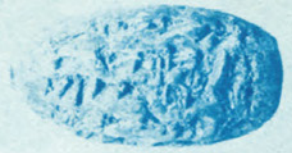
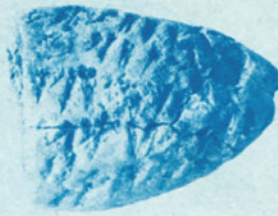
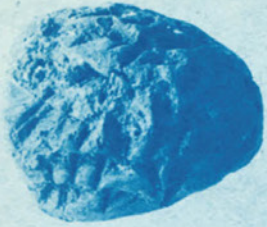
can reveal regions where individual clay tablets were produced. Computer-aided cuneiform reading technology is under development as a tool helping epigraphers to decipher damaged passages; 3d scans are becoming increasingly easy to make and display, much to the benefit of work on the tablets.

The on-going work of editing and translating the Persepolis Fortification tablets is starting to bear fruits in the wider field of Achaemenid studies. Classical historians, for example, are becoming aware of the vital importance of this material for the study of the Greek world and its relations with the Achaemenid Persian empire. Archaeologists working in Central Asia have recognized the relevance of the “institutional landscapes” visible in the Fortification archive – administrative networks including roads, way stations, storage facilities, citadels, farms, workers’ villages, craft centers, etc. – as models for interpreting findings contemporary with the Achaemenid period. The results of current palynological research can give substance and direction to work on the Fortification Archive’s information on fruit production. Areas until now only dimly seen in historical records will become more visible. For example, Fortification tablets now being prepared for publication shed a remarkable light on intense exchanges between Pārsa and Media, underlining the importance of northwestern Iran in the Achaemenid period. Administrative and recording systems and processes will become better understood, as detailed profiles of individual officials and places become available. Much more can still be discovered in the Archive about Achaemenid religion, livestock breeding, the position of women, but also on the languages of the Archive and the interactions between them. Lastly, the seals preserved in the Archive open a new window on not only the study of visual imagery in the Achaemenid period but also glyptic in the first millennium BCE in ancient Iran.

It is certain that the future of Achaemenid studies lies in the unassuming clay tablets that form the Persepolis Fortification Archive. The institution or state that has this precious source also holds the keys to this future. The return of the tablets from Chicago to Tehran means far more than the transfer of ancient objects: it opens a new chapter in an intellectual adventure, a chance for the future of Iran’s past.

برگردان به فارسی: حماسه گلستانه، سهیل دلشاد، کیومرث علیزاده، یزدان صفایی

Persian translation: Hamaseh Golestaneh, Soheil Delshad, Kiumars Alizadeh, Yazdan Safaee



Persepolis, Chicago, Tehran

The World of the Persepolis Fortification Tablets

Edited by: Jebrael Nokandeh and Christopher Woods



2nd October - 21st November 2019

